

Critique of the articles on “Mary” and “Jesus” in the Leiden Encyclopedia of the Quran

Mohsen Rajabi Qudsi¹

Amin Azam²

Abstract

The articles “Jesus” and “Mary” in the Leiden Encyclopedia of the Quran are written respectively by Neil Robinson and Barbara Freyer Stowasser. Since both articles are influenced by New Testament data and weak traditions, a critique based on Quranic teachings becomes necessary. Therefore, this research adopts a descriptive–analytical method, and after a comparative thematic analysis of these two articles with the teachings of the Quran and authentic Hadiths, it has reached the following conclusions: According to seven verses of the Quran, including “And We did not make for any human before you eternity... every soul shall taste death” (Al-Anbiya, 34–35), Prophet Jesus (peace be upon him), like all humans before him, passed away when his appointed time came, and his soul ascended to the afterlife. Thus, Robinson’s view that the opinions of Islamic exegetes regarding the death of Jesus (peace be upon him) or his ascension all are influenced by narrations is correct, but his conclusion that Quranic texts do not definitively and clearly mention the death of Jesus (peace be upon him) is incorrect. Stowasser also overlooked two subtle Quranic points: that Mary immediately became pregnant after the conversation with Gabriel and that Jesus was born on the same day, outside the temple, in a suitable and pleasant place.

KeyWords: Jesus, Virgin Mary, Quran and the Bible, Quranic studies in the West, Neil Robinson, Barbara Freyer Stowasser, Leiden Encyclopedia of the Quran.

1. Assistant Professor, University of Qur’anic studies and Sciences, Qom, Iran (Corresponding Author); (rajabi@quran.ac.ir)

2. Master of Quranic Sciences, University of Qur’anic studies and Sciences, Qom, Iran, (amin99121411005@gmail.com)

نقد مقالات «مریم» و «عیسی» در دائرةالمعارف قرآن لیدن

محسن رجیبی قدسی^۱، امین اعظم^۲

چکیده

دو مقاله «عیسی» و «مریم» در دائرةالمعارف قرآن لیدن را به ترتیب نیل رابینسون و باربارا فرییر استواسر نگاشته‌اند. از آنجاکه هر دو مقاله تحت تأثیر داده‌های عهد جدید و اخبار ضعیف قرار دارد، نقد آن دو بر مبنای تعالیم قرآن ضرورت می‌یابد. از این رو، این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی، پس از مقایسه تطبیقی مضامین آن دو مقاله با آموزه‌های قرآن و حدیث صحیح، به این نتایج دست یافته است که بنابر هفت آیه قرآن از جمله «وَمَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِنْ قَبْلِكَ الْخُلْدَ... كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ» (انبیاء، ۳۴-۳۵) حضرت عیسی (ع) مانند همه انسان‌های پیش از خود، با رسیدن اجلش، از دنیا رحلت و نفس او به عالم آخرت عروج کرده است. بنابراین، دیدگاه رابینسون مبنی بر اینکه نظرات مفسران اسلامی درباره مرگ عیسی (ع) یا عروج او که همگی تحت تأثیر روایات قرار دارند، درست بوده، ولی جمع‌بندی نهایی او که مطالب قرآنی درباره مرگ عیسی را قاطع و آشکار نمی‌داند، نادرست است. استواسر نیز از این دو نکته ظریف قرآنی که مریم بلافاصله پس از گفت‌وگوی جبرئیل با او باردار شد و عیسی را در همان روز و در بیرون از معبد، در مکانی مناسب و خوش آب‌وهوا به دنیا آورد، غفلت کرده است.

کلیدواژگان: مسیح (ع)، مریم مقدّس (س)، قرآن و عهدین، مطالعات قرآنی در غرب، نیل رابینسون، باربارا فرییر استواسر، دائرةالمعارف قرآن لیدن

۱. استادیار گروه تفسیر و علوم قرآن دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم؛ قم، ایران (نویسنده مسئول)؛ (rajabi@quran.ac.ir)

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم؛ قم، ایران (@amin99121411005@gmail.com)

مقدمه

دو مقاله حضرت «عیسی» [ع] و «مریم» [مقدّس] در دائرةالمعارف قرآن لیدن (Encyclopaedia of the Quran/EQ) را به ترتیب نیل رایینسون^۱ و باربارا فرییر استواسر^۲ نگاشته‌اند. این جستار پس از معرفی مختصر نویسنده هر دو مدخل، به نقد و ارزیابی دو مقاله بر اساس آموزه‌های قرآن و حدیث پرداخته است. نقد این دو مدخل از آن رو ضروری است که دائرةالمعارف قرآن لیدن به عنوان یکی از جدیدترین و مهم‌ترین منابع شناخت قرآن و اسلام در غرب مطرح است؛ و از آنجا که حضرت عیسی (ع) و مریم مقدّس (س) از قدّيسان مسیحیان جهان هستند، ارائه تصویری درست از این دو شخصیت مؤثر بر پایه آموزه‌های قرآن و حدیث بسیار اهمیت می‌یابد؛ امری که نیل رایینسون و باربارا فرییر استواسر، به‌رغم کوشش قابل تقدیرشان، نتوانسته‌اند آن را مطابق بیان قرآن، کامل ارائه نمایند. البته در مواردی، آن دو نیز تحت تأثیر شهرت‌های تفسیری و حدیثی مفسران و محدّثان اسلامی قرار دارند.

«نقد مقاله مریم از دائرةالمعارف لیدن» (حسین‌آبادی، ۱۴۰۲) تنها پیشینه این پژوهش است که در آن، بخشی از نقاط ضعف مقاله حضرت مریم (س) ارزیابی شده است. پژوهش حاضر به جنبه‌های دیگری از قصه مریم و شخصیت او، غیر از آنچه در آن مقاله پیش‌گفته آمده، پرداخته و کوشیده است دست‌کم به این دو پرسش پاسخ دهد که آیا همان‌طور که رایینسون مدّعی است، بیان قرآن درباره رحلت حضرت عیسی (ع) قاطع و آشکار نیست؟ و به چرایی درهم‌تنیدگی قصه مریم و عیسی (ع) با داستان زکریای نبی و یحیی (ع) پاسخ دهد؛ امری که استواسر با اشاره‌ای گذرا به آن، از تبیینش غفلت کرده است.

نیل رایینسون، نویسنده مقاله Jesus (عیسی)

نیل رایینسون متولد ۱۹۴۸ میلادی در بریتانیا، استاد برجسته مطالعات اسلامی و عضو کانون پژوهش‌های ایران باستان است. رایینسون به زبان‌های عربی، عبری، یونانی و سریانی تسلط

1. Robinson, Neal, "Jesus", EQ, V.3, P.7-20.

2. Stowasser, Barbara Freyer, "Mary", EQ, V.3, P.288-296.

دارد. موضوع پژوهش‌های وی در حال حاضر بیشتر درباره سیاست اسلام معاصر و نظریه پردازان کنونی مسلمان است. مهم‌ترین آثار او عبارت‌اند از: اسلام: معرفی مختصر؛ فهم قرآن: نگرشی نو به نصی کنایه‌آمیز؛ عیسی و مریم در قرآن: برخی شباهت‌های فراموش شده؛^۲ تصلیب.^۳

۱. بررسی و نقد مقاله Jesus (عیسی)

رابینسون مقاله حضرت عیسی (ع) را در ۱۳ صفحه، با بهره‌گیری از منابع متعددی به نگارش درآورده که برخی از کاستی‌های آن به شرح زیر است:

۱-۱. باردارشدن مریم (س) پس از گفت‌وگو با جبرئیل

رابینسون نظر برخی مفسران قدیم را این‌گونه آورده است: «پدیدار شدن ناگهانی جبرئیل به هیئت انسان باعث شد میل مریم (س) برانگیخته شود و نزول نطفه مادرانه به زهدانش تسهیل گردد» (Robinson, 2003, 3/13). باردارشدن مریم مقدس (س) در دو سوره مریم و آل عمران بیان شده است:

«وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ انْتَبَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا. فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا. قَالَتْ: إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا. قَالَ: إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا. قَالَتْ: أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا؟! قَالَ: كَذَلِكَ، قَالَ رَبُّكَ: هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَلِنَجْعَلَهُ آيَةً لِلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِنَّا وَكَانَ أَمْرًا مَقْضِيًّا. فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَذَتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا. فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا مَنْسِيًّا. فَنَادَاهَا مِنْ تَحْتِهَا: أَلَّا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا. وَهُزِّي إِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رَطْبًا جَنِيًّا. فَكَلِمَاتٍ وَشَرِبِي وَقَرِّي عَيْنًا...» (مریم، ۱۶-۲۶).

1..Islam: A Concise Introduction (Georgetown University Press, 1999).

2.Discovering the Qur'an: a Contemporary Approach to a Veiled Text (Georgetown University Press, 2004).

3. Jesus and Mary in the Quran Some neglected affinities, in Religion.

4."Crucifixion", Encyclopaedia of The Quran, Leiden, Brill, 2001.

وقتی مریم در معبد بزرگ شد و به سن بارداری رسید، گویا پیشاپیش احساس کرد اتفاقات شگفتی در انتظار اوست که حضور او در معبدی که همهٔ خادمان آن مرد هستند، دیگر به صلاح او نیست. از این رو، معبد را ترک کرد و به مکانی در شرق معبد رفت و در آنجا برای خودش خیمه‌ای برپا کرد یا دیوارکی ساخت تا دور از چشم مردم و اجتماع باشد. خداوند حکیم، برای اینکه رهبانیت و دوری از مردم از طریق مریم مقدس (س) پایه‌گذاری نشود، «روح» را که همان «روح القدس» (بقره، ۹۷)، «روح الامین» (شعرا، ۱۹۳) و «جبرئیل» است (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ۶۲۳/۲؛ قمی، ۱۳۶۳، ۳۹۰/۱، ۴۹/۲ و ۴۲۱)، نزد مریم (س) فرستاد. جبرئیل در شکل انسان کامل و معتدلی بر مریم (س) نمایان شد. مریم (س) هراسان گفت: من از سوء قصد تو، به خدای مهربان پناه می‌برم، اگر خداخواه و پرهیزگاری. جبرئیل گفت: مترس، پروردگارت مرا فرستاده است تا به تو پسر پاکیزه‌ای ببخشم. مریم (س) گفت: چگونه پسری خواهم داشت، در حالی که انسانی با من نزدیکی نکرده است و زناکار هم نبوده‌ام؟! جبرئیل گفت: بله، درست است؛ تو نه همسری داشته‌ای و نه بدکاره بوده‌ای؛ اما برای خدای صاحب تو، دادن فرزند بدون پدر آسان است. خدای حکیم می‌خواهد خودت و شیوهٔ فرزندان شدنت و فرزندان را آیه و نشانه‌ای برای هدایت مردم قرار دهد: «وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ آيَةً» (مؤمنون، ۵۰)؛ و برای بندگان خدا مایهٔ رحمت و کارسازی و مظهر بنده‌نوازی خدا در زمین باشید؛ کار انجام یافته است. پس از این گفت‌وگو، مشیت خدا تحقق یافت و مریم (س) بی‌درنگ باردار شد و با جنین کامل خود که آثار تولد او نمایان شد، به مکانی دورتر رفت تا او را به دنیا آورد.

در گزارش سورهٔ آل عمران از روز میلاد حضرت عیسی (ع) آمده است:

«إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ: يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ. وَيَكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ الصَّالِحِينَ. قَالَتْ: رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَلَمْ يَمَسَّ سِنِي بَشَرًا؟ قَالَ: كَذَلِكَ اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ، إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (آل عمران، ۴۵-۴۷).

آیات فوق را می‌توان دو گونه فهمید:

الف) منظور از ملائکه در این آیات، همان جبرئیل امین است؛ چنان‌که در مواردی قرآن جمع را به کار برده، ولی از آن یک فرد را اراده کرده است؛ مانند «نِسَاءَنَا» در آیه ۶۱ آل عمران که منظور حضرت زهرا(س) است: «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ».

ب) منظور از ملائکه، فرشتگانی غیر از جبرئیل اند که پس از تمثیل جبرئیل در قالب انسان و مخاطبه او با مریم(س)، دوباره به مریم(س) بشارت تولد عیسی(ع) و آینده او را تأکید کردند تا مریم(س) با آمادگی بیشتری به پیشواز این مسئله شگفت برود.

مریم(س) پس از دریافت بشارت ملائکه، به خداوند گفت: چگونه بدون اینکه بشری با من آمیزش داشته باشد، من بچه دار می‌شوم؟! مریم(س) در پاسخ شنید: مشیت خدا بر این است که تو بدون شوهر بچه دار شوی؛ خداوند هر آنچه را بخواهد، بیافریند؛ همین که اراده کند، بی‌درنگ خلق خواهد شد. بنابراین، برای فرزندار شدن تو نه نیازی به آمیزش جنسی است و نه نیازی به گذشت دوره بارداری نُه ماهه جنین در رحم. از این رو، همین‌که جبرئیل بشارت تولد مسیح را به مریم(س) داد، بی‌درنگ مریم(س) متوجه شد عیسی(ع) را حامله است و نشانه‌های زایمان بر او پدید آمد. بنابراین، بلافاصله خود را به مکانی دورتر برد تا دور از چشم دیگران، عیسی(ع) را به دنیا آورد.

۲-۱. فرج: شرمگاه یا شکاف لباس

رابینسون پس از اشاره به آیه ۱۲ تحریم: «وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا...» و آیه ۹۱ انبیاء: «وَالَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا...» آورده است که مفسران اختلاف نظر دارند که «آیا اشاره این آیه به شرمگاه او بوده (معنای رایج فرج) یا به شکافی در لباس هایش؟» مفسران به اخباری اشاره می‌کنند که مریم(س) هنگامی آبتن شد که جبرئیل در دامنش یا یقه‌اش دمید (Robinson, 2003, 3/14).

طبری (د. ۳۱۰ ق) ذیل آیه «وَالَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا» آورده است: «واختلف فى الفرج الذى عنى الله جل ثناؤه أنها أحصنته، فقال بعضهم: عنى بذلك فرج نفسها، أنها حفظته من الفاحشة؛ وقال آخرون: عنى بذلك جيب درعها» (طبرى، ۱۴۱۲، ۶۷/۱۷)؛ برخی «فرج» را به معنای اندام جنسی زنانه مریم (س) دانسته و بعضی آن را به معنای گریبان و یقه لباس مریم (س) معنا کرده‌اند. نظر دوم درست است؛ کلمه «فرج» که با کلمه «فرج» (گشایش) و «فجر» (سپیده‌دم) هم خانواده است، در قرآن به معنای «شکاف لباس» به کار می‌رود؛ و منظور از «أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا» آن است که مریم (س) در پوشش خویش بسیار مراقبت و دقت می‌کرده است که همه شکاف‌های لباسش را محکم و کامل ببندد تا در نشست و برخاست‌ها و روابط اجتماعی باز و سست نشود و توجه نامحرمان به بدن و اندام او جلب نگردد. حفظ فروج در دیگر آیات قرآن نیز به همین معناست: «وَالَّذِينَ هُمْ لِفُجُورِهِمْ حَافِظُونَ» (معارج، ۲۹؛ مؤمنون، ۵)؛ «وَالْحَافِظِينَ فُجُورَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا» (احزاب، ۳۵)؛ «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُجُورَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ، إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ. وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُجُورَهُنَّ» (نور، ۳۰-۳۱).

بنابراین، نفخ روح به مریم (س) مانند نفخ روح به آدم ابوالبشر بوده است:

- «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّنْ صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ. فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (حجر، ۲۸-۲۹)
- «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ. ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِّنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ. ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ، قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ» (سجده، ۷-۹)

و مانند نفخ روح به همه جنین‌ها در رحم همه مادران است:

«وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِّنْ طِينٍ. ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ. ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ

۱. اصل صحیح يدل على تفتح فى الشىء (ابن فارس، معجم مقاييس اللغة، ج ۴، ص ۴۹۹).

عَلَقَةً، فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً، فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا، فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا، ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ، فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (مؤمنون، ۱۲-۱۴).

امام باقر(ع) منظور از «ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ» را نفخ روح در جنین دانسته است: «فَهُوَ نَفْخُ الرُّوحِ فِيهِ» (قمی، ۱۳۶۳، ۹۱/۲). در تفسیر مقاتل بن سلیمان نیز آمده است: «ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ يَقُولُ: خَلَقْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ يَعْنِي الرُّوحَ يُنْفَخُ فِيهِ بَعْدَ خَلْقِهِ» (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ۱۵۳/۳).

بنابراین، تأکید بر اینکه مریم(س) شکاف لباس‌های خود را محافظت می‌کرد و بسیار پاک دامن بود، برای بیان این مسئله نیز هست که نفخ روح در او مانند نفخ روح به همه جنین‌های درون رحم مادران انجام گرفت و نیازی به اینکه گفته شود نفخ روح در گریبان یا سینه او بود، نیست. از این رو، متن اخبار و تفاسیری که می‌گویند جبرئیل نفخ روح را در جیب (گریبان و سینه) یا درع (لباس) مریم(س) انجام داد، همگی جعلی و نادرست است. (نک: مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ۹۱/۳؛ یحیی بن سلام، ۱۴۲۵، ۳۳۹/۱؛ طبری، ۱۴۱۲، ۴۸/۱۶).
باید دقت کرد که ضمیر «فیه» و «فیها» در دو آیه:

- «و مَرِيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا» (تحریم، ۱۱)
- «وَالَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا وَ جَعَلْنَاهَا وَ ابْنَهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ» (انبیاء، ۹۱)

هر دو به مریم(س) برمی‌گردد، نه به فرج مریم. علت کاربرد ضمیر مذکر برای مریم(س) آن است که مریم(س)، افزون بر آنکه برای حضرت عیسی(ع) مادر بود، به نوعی پدر هم بود (لسانی فشارکی، متن صوتی «قصه مریم مقدس»). همچنانکه مادر مریم وقتی مریم(س) را حامله شد، با این امید که جنین او پسر است، او را نذر معبد کرد؛ ولی وقتی به دنیا آمد و دید دختر است، نام پسرانه برای او انتخاب کرد و او را مریم (= مرد خدا) نامید تا بتواند در معبد کنار دیگر خادمان که همه مرد بودند، حضور یابد:

«إِذْ قَالَتِ امْرَأَةُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ. فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ: رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَىٰ، وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ، وَلَيْسَ الذَّكَرُ إِلَّا لَأُنْثَىٰ»

وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ، وَإِنِّي أُعِيدُهَا بِنكِ وَدُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» (آل عمران، ۳۵-۳۶).

۳-۱. همه پیامبران الهی، از جمله حضرت عیسی (ع)، صاحب کتاب آسمانی

رابینسون، حضرت عیسی (ع) را «جزء پیامبران صاحب کتاب، پیش از محمد» معرفی کرده است (Robinson, 2003, 3/7). معنای سخن او آن است که فقط برخی پیامبران صاحب کتاب بوده‌اند؛ در حالی که در بیان قرآن، همه پیامبران خدا صاحب کتاب بوده‌اند؛ از جمله در آیه ۲۵ سوره حدید:

«وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»، تصریح شده است که هر پیامبر و رسولی را که فرستادیم، کتاب و «میزان» را هم در اختیار او قرار دادیم تا مردم براساس آن دو بتوانند قسط را در جامعه اقامه کنند.

همچنان‌که در آیات ۷۵ تا ۸۹ سوره انعام که فهرستی از ۱۸ پیامبر خدا در آن‌ها آمده، از دادن کتاب به همه آنان سخن رفته است:

«وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ... وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ كُلًّا هَدَيْنَا وَنُوحًا هَدَيْنَا مِنْ قَبْلُ وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَى وَهَارُونَ، وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ. وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَى وَعِيسَى وَإِلْيَاسَ، كُلٌّ مِنَ الصَّالِحِينَ، وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيُوسُفَ وَهُدَّيْنَا عَلَى الْعَالَمِينَ... أُولَئِكَ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ» (انعام، ۷۵-۸۹).

و اصولاً در بیان قرآن، نبوت با عطای کتاب به پیامبر تعریف می‌شود؛ چنان‌که حضرت عیسی (ع) به هنگام معرفی خود به مردم در نخستین روزهای تولدش فرمود:

«قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا؟ قَالَ: إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ، آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا» (مریم، ۲۹-۳۰).

۱. برای مطالعه فهرست کامل نام انبیا در قرآن به مقاله «شمار پیامبران در قرآن و تحلیل انتقادی آن در منابع اسلامی» مراجعه فرمایید (رجبی قدسی و رخشانی، ۱۴۰۲، ۶۹-۹۸).

بنابراین، ترجمه درست آیات ۱۷ و ۱۸ سوره اعلی:

«إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى، صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى» از این قرار است که: «این سخن در صحیفه‌های نخستین نیز بوده است؛ از جمله در صحف ابراهیم و موسی (ع)».

۱-۴. منحصر نبودن معرفی پیامبر بعدی از سوی پیامبر قبلی به معرفی خاتم پیامبران از سوی حضرت عیسی (ع)

رابینسون آورده است: «عیسی آمدن فرستاده‌ای موسوم به احمد، نام آسمانی محمد (ص)، را پیش‌گویی کرده است» (Robinson, 2003, 3/17).

بنابر آیه ششم سوره صف، حضرت عیسی (ع) بشارت آمدن پیامبر پس از خود را با نام «احمد» به قومش بنی اسرائیل اعلام کرد:

«وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ، إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ، مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ، وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ...».

اما این پدیده، امری ویژه و خاص حضرت عیسی (ع) نبوده است و هر پیامبری، پیامبر بعد از خود را معرفی کرده است.

مولا علی (ع) در نهج البلاغه، در خطبه یکم و در مبحث ارسال انبیای الهی فرموده‌اند:

«خداوند سبحان پیامبرانی از فرزندان آدم برگزید که در برنامه وحی و امانت‌داری در ابلاغ رسالت از آنان پیمان گرفت، آن زمان که اکثر انسان‌ها عهد خدا را به امور باطل تبدیل نموده، و به حق او جهل ورزیدند، و برای او همتا گرفتند، و شیاطین آنان را از معرفت به خداوند بازداشتند، و رابطه بندگی ایشان را با حق بریدند. پس خداوند رسولانش را برانگیخت، و پیامبرانش را به دنبال هم به سوی آنان گسیل داشت، تا ادای عهد فطرت الهی را از مردم بخواهند، و نعمت‌های فراموش شده او را به یادشان آرند، و با ارائه دلایل بر آنان اتمام حجت کنند، و نیروهای پنهان عقول آنان را برانگیزانند، و نشانه‌های الهی را به آنان بنمایانند: از این

بلندآسمان که بالای سرشان افراشته، و زمین که گهواره زیر پایشان نهاده، و معیشت‌هایی که آنان را زنده می‌دارد، و اجل‌هایی که ایشان را به دست مرگ می‌سپارد، و ناگواری‌هایی که آنان را به پیروی می‌نشانند، و حوادثی که به دنبال هم بر آنان هجوم می‌آورد.

خداوند سبحان بندگانش را بدون پیامبر، یا کتاب آسمانی، یا حجّتی لازم، یا نشان دادن راه روشن رها نساخت. پیامبرانی که کمی عددشان و کثرت تکذیب‌کنندگان‌شان، آنان را از تبلیغ بازداشت؛ از پیامبر گذشته‌ای که او را از نام پیامبر آینده خبر دادند، و پیامبر آینده‌ای که پیامبر گذشته‌ای او را معرفی کرد.^۱ بر این منوال، قرن‌ها گذشت و روزگار سپری شد، پدران درگذشتند و فرزندان جای آن‌ها را گرفتند، تا خداوند محمّد رسول‌الله را برای به انجام رساندن وعده‌اش و به پایان بردن مقام نبوّت، مبعوث کرد» (نهج‌البلاغه، ص ۴۳).

۵-۱. وفات حضرت عیسی (ع) و عروج نفس او

رابینسون پس از اشاره به نظرات مفسران اسلامی درباره مرگ عیسی (ع) یا عروج ایشان که همگی تحت تأثیر روایات اسلامی قرار دارند، «مطالب قرآنی درباره مرگ عیسی [را] قاطع و آشکار» نمی‌داند. وی در پایان مقاله، به خوبی نشان می‌دهد که آراء مفسران اسلامی تحت تأثیر پیش‌فرض‌های بیرون از قرآن قرار دارد؛ از این رو، سخن پایانی او شایان توجه است: «اگر آیات دیگر قرآن بدون پیش‌فرض بررسی شوند و آنگاه آیات ۱۵۷ تا ۱۵۹ نساء با توجه به این آیات تفسیر شوند، آیات مذکور را می‌توان به انکار واقعیت‌هایی از مرگ عیسی تعبیر کرد و نه انکار مطلق مرگ وی» (Robinson, 2003, 3/20).

بر اساس هفت آیه زیر و قرائن دیگر، حضرت عیسی (ع) مانند همه انسان‌های پیش از خود، با رسیدن اجلش از دنیا رحلت و نفس او به سوی خدا عروج کرده است.

۱. گویا این مطلب برگرفته از آیه ۸۱ آل عمران است: «وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ، قَالَ: أَأَقْرَبُكُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَيَّ دَلِيلَكُمْ إِيَّارِي؟ قَالُوا: أَفَرَرْنَا، قَالَ: فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ» (آل عمران، ۸۱).

بنابر آیات ۳۴ و ۳۵ سوره انبیاء: «وَمَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِّن قَبْلِكَ الْخُلْدَ... كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ»؛ پیش از رسالت پیامبر اکرم، خداوند هیچ بشری را در دنیا جاویدان قرار نداده است، و هر نفسی چشنده مرگ بوده و خواهد بود. بنابراین، حضرت عیسی (ع) نیز با رسیدن اجلش از دنیا رحلت کرده است و بی‌درنگ پس از رحلت، در بهشت آخرت در جایگاه رفیعی که همه پیامبران خدا قرار دارند استقرار یافته و همانند همه پیامبران و صالحان و بهشتیان، زنده و متنعم به همه نعمت‌های الهی است:

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ» (آل عمران، ۱۶۹)،
 «وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ. وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا لَيُرْزُقْنَهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا، وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ» (حج، ۵۸-۵۹).

بر اساس مفهوم مخالف آیه «وَمَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِّن قَبْلِكَ الْخُلْدَ»، پس از پیامبر اکرم (مِن بَعْدِكَ)، فقط حضرت مهدی موعود (ع) تا آستانه قیامت در دنیا زنده هستند. البته ایشان نیز پس از مدتی از زمان ظهورشان (ابن حماد، ۱۴۱۲، ۳۵۹/۱؛ دلائل الامامة، ۱۴۱۳، ۴۴۱) از دنیا رحلت می‌کنند (کلینی، ۱۳۹۱، ۲۰۶/۸).

در آیه ۱۵۷ سوره نساء: «وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ...»، خداوند سخن برخی از بنی اسرائیل را که مدعی بودند مسیح را کشته‌اند، نفی می‌کند و تأکید می‌شود که به یقین آن حضرت نه به صلیب کشیده شد و نه کشته شد، بلکه شبهه کشته شدن عیسی (ع) را فرد یا افرادی مطرح کردند، و عده‌ای که به دنبال کشف علم و حقیقت نیستند و همواره از ظن و گمان پیروی می‌کنند، به گسترش و ترویج آن شبهه و دروغ دامن زدند، به‌گونه‌ای که پس از مدتی شک و تردید، همگان باور کردند که عیسی (ع) بر صلیب کشته شده است.

آیه ۵۵ سوره آل عمران: «إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ قُمْ عَلَىٰ سُنْبُلِكَ وَارْمِطْ بِعَصَاكَ إِلَىٰ آلِ الْكَافِرِينَ الَّذِينَ كَفَرُوا...»، به‌وضوح توفی و رحلت حضرت عیسی (ع) و سپس عروج نفس او به سوی خدا را بیان می‌دارد.

کما اینکه بنا بر دو حدیث زیر، این پدیده برای همه انسان‌های مؤمن رخ می‌دهد:

براء بن عازب گزارش کرده است که همراه شماری از صحابه با رسول خدا(ص) در تشییع جنازه مردی از انصار شرکت داشته است که رسول خدا(ص) فرمودند:

«إِنَّ الْعَبْدَ الْمُؤْمِنَ إِذَا كَانَ فِي انْقِطَاعٍ مِنَ الدُّنْيَا وَإِقْبَالٍ مِنَ الْآخِرَةِ، نَزَلَ إِلَيْهِ مَلَائِكَةٌ مِنَ السَّمَاءِ... ثُمَّ يَجِيءُ مَلَكُ الْمَوْتِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) حَتَّى يَجْلِسَ عِنْدَ رَأْسِهِ، فَيَقُولُ: أَيَّتُهَا النَّفْسُ الطَّيِّبَةُ، أَخْرَجِي إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ... فَيُصْعَدُونَ بِهَا... حَتَّى يُنْتَهَى بِهِ إِلَى السَّمَاءِ السَّابِعَةِ، فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: اكْتُبُوا كِتَابَ عَبْدِي فِي عِلِّيِّينَ» (ابن حنبل، ۱۴۲۱، ۴۹۹/۳۰).

همچنین: «إِذَا خَرَجَتْ رُوحُ الْمُؤْمِنِ تَلَقَّهَا مَلَكَانِ يُصْعِدَانِهَا... وَيَقُولُ أَهْلُ السَّمَاءِ: رُوحٌ طَيِّبَةٌ جَاءَتْ مِنْ قِبَلِ الْأَرْضِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى جَسَدِكَ كُنْتَ تَعْمُرِيَنَّهُ، فَيُنْزَلُ بِهَا إِلَى رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ» (مسلم، ۱۳۷۴، ۲۲۰۲/۴).

در دو آیه ۳۳ و ۱۵ سوره مریم از سلام بر حضرت عیسی (ع) روزی که متولد شده، و روزی که رحلت کرده، و روزی که زنده برانگیخته خواهد شد، سخن به میان آمده است:

«وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا» (مریم، ۳۳)؛ «وَسَلَامٌ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا» (مریم، ۱۵).

بر پایه آیات ۱۱۶ و ۱۱۷ سوره مائده نیز، حضرت عیسی (ع) در پاسخ به این پرسش که آیا تو به مردم گفتی: تو و مادرت را همچون دو خدا به جای خداوند بپرستند؟

«وَإِذْ قَالَ اللَّهُ: يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ أَأَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَأُمَّيَ الْهَيْئِينَ مِنْ دُونِ اللَّهِ؟» فرمود: منزهی تو، مرا نزیبد که [درباره خویشتن] چیزی را که حق من نیست بگویم؛ اگر آن را گفته بودم، قطعاً آن را می‌دانستی، آنچه در نفس من است تو می‌دانی؛ و آنچه در ذات توست من نمی‌دانم، چرا که تو خود، دانای رازهای نهانی هستی. جز آنچه مرا بدان فرمان دادی [چیزی] به آنان نگفتم؛ [گفته‌ام] که: خدا، پروردگار من و پروردگار شما را عبادت کنید، و تا وقتی در میانشان بودم، بر آنان گواه بودم؛ پس چون روح مرا گرفتی، تو خود بر آنان نگهبان بودی، و تو

بر هر چیز گواهی. «سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقِّ إِنْ كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ، تَعَلَّمْ مَا فِي نَفْسِي وَلَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ، إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ. مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَا أَمَرْتَنِي بِهِ أَنْ أَعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ، وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَا دُمْتُ فِيهِمْ، فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتُ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ».

به نقل از امام حسن مجتبی (ع) گفته‌اند: «وَلَقَدْ قَبِضَ [علیُّ بنُ أبی طالب (ع)] فی اللیلة الّتی عُرِجَ فیها بِرُوحِ عیسی بن مریم؛ شب شهادت مولا علی (ع) هم‌زمان با سالروز عروج روح عیسی بن مریم بوده است (ابن طاووس، ۱۴۱۱: ۲۴۶). ابن عباس، «إِنِّي مُتَوَفِّيكَ» را «إِنِّي مُمِيتُكَ» تفسیر کرده، و در خبری از وهب بن منبّه (د ۱۱۴ق) آمده است: «تَوَفَّى اللَّهُ عیسی بن مریم ثلاث ساعاتٍ مِنَ التَّهَارِ حَتَّى رَفَعَهُ إِلَيْهِ» (طبری، ۱۴۱۲، ۲۰۳/۳). محمد بن جعفر بن زبیر (د ۱۱۳ق) یکی از محورهای محاجّه و مجادله نصاری نجران با رسول خدا در ماجرای مباحله را مسئله «موت عیسی (ع)» و به صلیب کشیده نشدن آن حضرت مطرح کرده است (طبری، ۱۴۱۲، ۱۵۶/۶).

ابن هشام (د ۲۱۳ق) نیز با استناد به آیات آغازین سوره آل عمران: «الْم * اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ» آورده است: «الْحَيُّ: الَّذِي لَا يَمُوتُ؛ وَقَدْ مَاتَ عِيسَى» (ابن هشام، ۱۴۱۶، ۵۷۶/۱). شیخ صدوق (د ۳۸۱ق) نیز به موت حضرت عیسی (ع) تصریح کرده است: «و نزوله [عیسی ابن مریم] إلى الأرض، رجوعه إلى الدنيا بعد موته، لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَالَ: إِنِّي مُتَوَفِّيكَ وَ رَافِعُكَ إِلَيَّ» (صدوق، ۱۴۱۴: ۶۲). رشید رضا (۷۰۱/۳) و ابن عاشور، از مفسران اسلامی در سده اخیر، نیز بر توفی حضرت عیسی (ع) و عروج روح او تأکید دارند و دلایل مخالفان را به نقد کشیده‌اند (ابن عاشور، ۱۹۸۴، ۲۵۸/۳-۲۵۹).

در عهد جدید. به‌رغم تحریفاتی که دارد. به رحلت عیسی (ع) تصریح شده است:

«شش روز قبل از عید فصّح، عیسی به بیت عنیا آمد، جایی که ایلعازر مرده را از مردگان برخیزانیده بود. و برای او در آنجا شام حاضر کردند و مرتا خدمت می‌کرد و ایلعازر یکی از

مجلسیان با او بود. آنگاه مریم رطلی از عطر سنبل خالص گران بها گرفته، پاهای عیسی را تدهین کرد و پاهای او را از موی‌های خود خشکاند، چنان‌که خانه از بوی عطر پر شد. پس یکی از شاگردان او، یعنی یهودای اسخریوطی، پسر شمعون که تسلیم‌کننده وی بود، گفت: برای چه این عطر به سیصد دینار فروخته نشد تا به فقرا داده شود؟ و این را نه از آن رو گفت که پروای فقرا می‌داشت، بلکه از آن رو که دزد بود و خریطه در حواله او، و از آنچه در آن انداخته می‌شد، برمی‌داشت. عیسی گفت: او را واگذار، زیرا که به جهت روز تکفین من این را نگاه داشته است» (انجیل یوحنا، ۱۲: ۱-۷).

«عیسی ... با شاگردان خود به طرف وادی قدرون رفت و در آنجا باغی بود که با شاگردان خود به آن درآمد ... پس یهودا لشکریان و خادمان از نزد رؤسای کهنه و فریسیان برداشته، با چراغ‌ها و مشعل‌ها و اسلحه به آنجا آمد ... آنگاه سربازان و سرتیپان و خادمان یهود، عیسی را گرفته، او را بستند. و اول او را نزد حنا، پدرزن قیافا که در همان سال رئیس کهنه بود، آوردند ... پس حنا او را بسته، به نزد قیافا رئیس کهنه فرستاد ... چون رؤسای کهنه و خدام او را دیدند، فریاد برآورده، گفتند: صلیبش کن! صلیبش کن! پیلاطس بدیشان گفت: شما او را گرفته، مصلوبش سازید، زیرا که من در او عیبی نیافتم. یهودیان بدو جواب دادند که شریعتی داریم و موافق شریعت ما واجب است که بمیرد، زیرا خود را پسر خدا ساخته است ... آنگاه او را بدیشان تسلیم کرد تا مصلوب شود. پس عیسی را گرفته بردند ... و صلیب نمودند و دو نفر دیگر را از این طرف و آن طرف و عیسی را در میان ... و بعد چون عیسی دید که همه چیز به انجام رسیده است تا کتاب تمام شود، گفت: تشنه‌ام. و در آنجا ظرفی پر از سرکه گذارده بود. پس اسفنجی را از سرکه پر ساخته، و بر زوفا گذارده، نزدیک دهان او بردند. عیسی چون سرکه را گرفت، گفت: تمام شد. و سر خود را پایین آورده، جان سپرد ... آنگاه لشکریان آمدند و ساق‌های آن اول و دیگری را که با او صلیب شده بود، شکستند. اما چون نزد عیسی آمدند و دیدند که پیش از آن مرده است، ساق‌های او را نشکستند ... و بعد از این، یوسف که از اهل رامه و شاگرد عیسی بود، لیکن مخفی به سبب ترس یهود، از پیلاطس خواهش کرد که جسد

عیسی را بردارد. پیلاتس اذن داد. پس آمده، بدن عیسی را برداشت ...، در کفن با حنوط به رسم تدفین یهود پیچیدند. و در موضعی که مصلوب شد، باغی بود و در باغ، قبر تازه‌ای که هرگز هیچ‌کس در آن دفن نشده بود. پس به سبب تهیه یهود، عیسی را در آنجا گذاردند، چون که آن قبر نزدیک بود. بامدادان در اوّل هفته، وقتی که هنوز تاریک بود، مریم مجدلیه به سر قبر آمد ... گریان ایستاده بود و چون می‌گریست، به سوی قبر خم شده، دو فرشته را که لباس سفید در برداشتند، یکی به طرف دیگر و دیگری به جانب قدم، در جایی که بدن عیسی گذارده بود، نشستند دید» (انجیل یوحنا، ۱۸: ۱-۴۰؛ ۱۹: ۱-۴۲؛ ۲۰: ۱-۱۲).

آیا این جمله در انجیل یوحنا که «ما از تورات شنیده‌ایم که مسیح تا به ابد باقی می‌ماند» (انجیل یوحنا، ۱۲: ۳۴) صحّت دارد؟ از آنجا که همه انبیای الهی ظهور منجی آخرالزمان را به پیروان خویش مژده و بشارت داده‌اند، چه بسا این مطلب در انجیل یوحنا نیز نقل به معنای همان بشارت باشد که به اشتباه بر عیسی (ع) منطبق گردیده است.

در احادیث اسلامی، رجعت حضرت عیسی (ع) به هنگام ظهور مهدی موعود (ع) بشارت داده شده است (قمی، ۱۳۶۳، ۱۵۸/۱؛ صدوق، ۱۳۹۵؛ ۳۳۱/۱؛ مقدسی، ۱۴۱۰، ۷۳) که این مطلب منافاتی با رحلت عیسی (ع) و رجعت دوباره ایشان به دنیا ندارد؛ زیرا هنگامه ظهور حضرت مهدی موعود (ع)، همه پیامبران، امامان، صالحان و شهدایی که رحلت کرده‌اند، از جمله عیسی (ع)، رجعت خواهند کرد (حلی، ۱۴۲۱؛ ۱۰۷؛ قمی، ۱۳۶۳، ۲۵۸/۲).

باربارا فرییر استواسر، نویسنده مقاله Mary (مریم)

وی متولّد ۱۹۳۵ در لایپزیگ آلمان و درگذشته به سال ۲۰۱۲ در واشنگتن آمریکاست. از آثار او می‌توان به مقاله‌های: «زنان در قرآن، سنت‌ها و تفسیر» (۱۹۹۴)، «حقوق اسلامی و چالش‌های مدرنیته» (۲۰۰۴)، «انگیزه اسلامی» (۱۹۸۷) و کتاب زمان دور؛ اندیشه‌هایی در مورد تقویم و هزاره‌گرایی اشاره کرد.

توجه به معنای مریم (س) و احتراز از نقل روایات ساختگی و جعلی از نکات مثبت مقاله

مریم (س) است. استواسر بر این باور است که: «قبل از تولد مریم، مادرش. همسر عمران. کودک به دنیا نیامده‌اش را وقف خدمت‌گزاری خداوند کرد (با این تصوّر که فرزندش پسر خواهد بود). او پس از اینکه دید فرزندش دختر است و فهمید خدمت‌گزاری در معبد حق انحصاری مردان بوده است، متحیر شد؛ چرا که خداوند نذر وی را پذیرفته بود، با وجود اینکه آن بچه دختر بود. همسر عمران نام دخترش را مریم نهاد». (Stowasser, 2003, 3/289) مریم ترکیبی از «میری، ماری + ام، ام» به معنای «مرد خدا» یا «خادم پروردگار» است. «مرد خدا» عنوانی بود که به خادم‌ان نذرشده برای معابد داده می‌شد؛ چون کار آنها فقط خدمت در معبد بود.

۲. بررسی و نقد مقاله مریم (س)

خانم استواسر در تدوین مقاله مریم (ع) از هفده منبع یاری جسته است. از جمله کاستی‌های آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۲-۱. غفلت از مقایسه زکریا و مریم، و یحیی و عیسی در قرآن

خانم استواسر به خوبی پی برده است که در سوره‌های آل عمران، مریم و انبیا، «داستان مریم با داستان زکریای نبی و سرپرستش درهم تنیده شده است». (Stowasser, 2003, 3/289) این درهم‌تنیدگی، درس‌های معرفتی و نکته‌های تربیتی جالبی دربردارد که البته در مقاله «مریم» از آن غفلت شده است، کما اینکه مفسران اسلامی نیز به آن نپرداخته‌اند.

۲-۱-۱. خداشناسی مریم (س) و دعای حضرت زکریا (ع)

زکریا خود را بنده و ویژه خدا می‌دانست و از اینکه فرزندی نداشت تا پس از او وارثش باشد و از دین خدا در برابر هجمه‌های بنی اسرائیل محافظت کند، سخت نگران و غصه‌دار بود. از این رو، با اصرار و سماجت فراوان از خدا فرزند پسر. آن هم پسری که پیامبر باشد. می‌خواست و این درخواست مکرر خود را با ندایی خفیف و آهسته تکرار می‌کرد:

«ذِكْرُ رَحْمَتِ رَبِّكَ عَبْدَهُ زَكَرِيَّا * إِذْ نَادَى رَبَّهُ نِدَاءً خَفِيًّا * قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا * وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا * يَرِيئِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا» (مریم، ۲-۶)

تا اینکه روزی از مریم نوجوان یاد گرفت که تاکنون خالصانه دعا نکرده و در شناخت خدا و معرفت به او به پایه مریم (س) نرسیده است. زکریا که سرپرستی مریم (س) در محراب/معبد (مصطفوی، ۱۳۶۸، ۱۸۵/۲) به او سپرده شده بود، وقتی برای اطلاع از وضعیت مریم (س) به محل اسکان او می‌رفت، نزد او انواع رزق (غذا و میوه) را می‌دید:

«كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا» (آل عمران، ۳۷)

روزی با تعجب از مریم (س) پرسید: از کجا و چگونه این رزق‌ها را دریافت می‌کنی؟! مریم (س) بی‌درنگ و شفاف پاسخ داد: از خدا دریافت می‌کنم؛ زیرا خدا به هر کس که بخواهد، بی‌شمار و از راه‌هایی که کسی آن را به حساب نمی‌آورد و گمانش را نمی‌کند، روزی می‌دهد:

«قَالَ: يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكَ هَذَا؟! قَالَتْ: هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (آل عمران، ۳۷)

در این موقعیت، زکریا تازه فهمید که دعای او به درگاه خدا چه نقص و کاستی‌ای داشته است؛ از این رو، این بار بدون ندا، از اعماق قلبش دعا کرد و خدا را خواند:

«هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ: رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً، إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ» (آل عمران، ۳۸)

و خیلی زود مژده یحیی را از ملائکه، در حالی که در محراب (معبد) به نماز ایستاده بود، دریافت کرد:

«فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيَى مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَسَيِّدًا وَحَصُورًا وَنَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ» (آل عمران، ۳۹)

ولی ناباورانه، برای مژده‌ای که دریافت کرده بود، کبر سنّ خودش و نازایی همسرش را به خدا یادآوری نمود:

«قَالَ رَبِّ أُنَى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَقَدْ بَلَغَنِي الْكِبَرُ وَامْرَأَتِي عَاقِرٌ!؟»

خداوند به زکریا قدرت «ما یشاء» خویش را که هر کاری را بخواهد می‌تواند انجام دهد، یادآوری کرد:

«قَالَ: كَذَلِكَ اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ» (آل عمران، ۴۰)

زکریا سال‌ها در انتظار فرزند بود. وی پس از دریافت بشارت یحیی که پیامبر و صالح نیز خواهد شد، از خدا نشانه خواست:

«قَالَ: رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً. قَالَ: آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا رَمْرًا» خدا نیز قدرت تکلم را در سه شبانه‌روز از زکریا گرفت تا برای او نشانه باشد. زکریا با اینکه سالم بود ولی نتوانست در این سه شبانه‌روز با مردم صحبت کند و فقط می‌توانست اذکار الهی را بر زبان بیاورد: «وَأَذْكُرُ رَبِّكَ كَثِيرًا وَسَبِّحُ بِالْعِشِيِّ وَالْإِبْكَارِ» (آل عمران، ۴۱؛ نیز نک: مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ۲۷۵/۱؛ طباطبائی، ۱۳۹۰، ۲۸۱/۳؛ لسانی فشارکی، متن صوتی «قصه زکریا و یحیی»)

در مقایسه زکریا و مریم، خدا به مریم (س). که هیچ‌گاه از خدا شوهر و فرزند نخواست به فرزند داد که مریم (س) توانست با همراهی فرزندش، دو نفری رسالت خدا را به انجام برسانند. با اینکه مریم (س) حکم پیامبری را دریافت نکرد، ولی هم‌پای فرزندش عیسی (ع) که پیامبر خدا بود، پیامبرگونه زندگی کرد و یاری‌گر فرزندش در پیامبری بود. از این رو، خداوند حکیم، برای مؤمنان مریم (س) را مثل می‌زند و نمونه معرفی می‌کند:

«وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا... وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا» (تحریم، ۱۲)

البته مریم (س) نیز پس از دریافت بشارت عیسی (ع) به خدا گفت: چگونه من بدون داشتن همسر، فرزنددار می‌شوم؟! یعنی نگران پیامدهای بعدی آن بود. خدا نیز به او تعلیم داد که در برابر پرسش‌های دیگران که «این فرزند کیست و او را از کجا آورده‌ای؟!» بگو روزه سکوت گرفته‌ام و از خود نوزاد بپرسید:

«فَمَا تَرِينَ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِي: إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا* فَأَتَتْ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِيلُهُ قَالُوا: يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا! * يَا أُخْتَ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكَ امْرَأَ سَوْءٍ وَمَا كَانَتْ أُمُّكَ بَعْثًا * فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا: كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا؟! * قَالَ: إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا * وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا * وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا * وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا» (مریم، ۲۶-۳۳)

۲-۱-۲. مقایسه نبوت و پیامبری حضرت عیسی (ع) و حضرت یحیی (ع)

خداوند در استجاب دعای مصرانه حضرت زکریا (ع) و مطابق خواسته وی، یحیی را در کودکی پیامبر و وارث او قرار داد؛ اما نه در تاریخ و نه در قرآن، سخن و اثری از گستره پیامبری و دعوت حضرت یحیی (ع) وجود ندارد، در حالی که حضرت عیسی (ع) و مریم مقدس (س)، حواریون را تربیت کردند و طائفه‌ای از بنی اسرائیل به عیسی (ع) ایمان آوردند و همین گروه منشأ گسترش تعالیم مسیح در سطح بسیار وسیعی در دنیا شدند: «قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِّلْحَوَارِيِّينَ: مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ؟ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ: نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ فَاَمَنَتْ طَائِفَةٌ مِّنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرَتْ طَائِفَةٌ فَأَيُّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ» (صف، ۱۴).

۲-۲. بارداری مریم (س) و زایمان او در کمتر از یک روز

استواسر در بیان جزئیات تولد عیسی (ع) از گزارش روایات ضعیف پرهیز کرده، ولی با این حال، بر این مطلب تأکید نشده است که حضور جبرئیل در خلوتگاه مریم (س) و بلافاصله باردار شدن مریم (س) و آشکار شدن نشانه‌های زایمان و رفتن مریم (س) به مکانی دورتر برای زایمان، همه در کمتر از یک روز اتفاق افتاد. چنان‌که حرف «فاء» در آیات زیر گویای آن است که همه این رویدادها پشت سر هم رخ داد: «وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ اتَّيَبَدَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا. فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا، فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا، فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا... قَالَ: إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا... فَحَمَلَتْهُ، فَانْتَبَدَتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا، فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَىٰ جِذْعِ النَّخْلَةِ... فَتَأَدَاهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلا تَحْزَنِي...» (مریم، ۱۶-۲۶).

حرف «فا» افاده ترتیب و تعقیب می‌کند، بدون اینکه فاصله زمانی زیادی بین آن دو بیفتد؛ مانند:

«فَوَكَّرَهُ مُوسَى فَقَضَى عَلَيْهِ» (قصص، ۱۵)؛

«فَأَقْبَلَتْ أَمْرَاتُهُ فِي صَرَّةٍ فَصَكَّتْ وَجْهَهَا وَقَالَتْ: عَجُوزٌ عَقِيمٌ» (ذاریات، ۲۹).

در تفسیر مقاتل بن سلیمان (د ۱۵۰ق) آمده است:

«فَحَمَلَتْهُ أُمُّهُ فِي سَاعَةٍ وَاحِدَةٍ، وَوُضِعَ فِي سَاعَةٍ وَاحِدَةٍ، وَأُزْضِعَتْهُ فِي سَاعَةٍ حِينَ زَالَتِ الشَّمْسُ

مِنْ يَوْمِهَا» (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ۶۲۴/۲)؛ مادرش در یک لحظه باردار شد و در لحظه‌ای،

اندام طفل صورت گرفت و در زمانی که خورشید در آن روز غروب کرد، فرزندش را شیر داد.

بنا به گزارش طبرسی، برخی گویند: [حمل و وضع مریم (س)] یک ساعت طول کشید.

ابن عباس گوید: یک ساعت پس از رفتن به آن نقطه دوردست، طفل به دنیا آمد، زیرا خداوند

میان رفتن مریم به آنجا و ولادت طفل، فاصله‌ای ذکر نکرده است: «فَحَمَلَتْهُ، فَتَبَدَّتْ،

فَأَجَاءَهَا» و حرف فاء برای تعقیب است. از امام صادق (ع) روایت شده است که مدت حمل

مریم، نه ساعت طول کشید (طبرسی، ۱۳۷۲، ۷۹۰/۶).

۳-۲. «سَرِيًّا»، نه‌ری کوچک یا مکانی صاف

استواسر، «سَرِيًّا» در آیه «فَنَادَاهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا» (مریم، ۲۴)

را همانند بسیاری از مفسران اسلامی به معنای پدیدار شدن چشمه و نه‌ری در زیر پای

مریم (س) به هنگام زایمان او پنداشته است (Stowasser, 2003, 3/293؛ فزّاء، ۱۹۸۰، ۱۶۵/۲؛

قمی، ۱۳۶۳، ۴۹/۲؛ قس: همتی، ۱۳۹۶، ۱۶۵-۱۸۵). برخی نیز آن را مأخوذ از «فُلَانٌ مِنْ سَرَوَاتِ

قَوْمِهِ أَيْ مِنْ أَشْرَافِهِمْ» (ماوردی، ۳/۳۶۵) دانسته‌اند که منظور از آن، نوزاد مریم، عیسی (ع)

است که منزلتی والا و رفیع دارد و پیامبر است (طبری، ۱۴۱۲، ۵۴/۱۶؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ۲۱۱/۶).

اما با توجه به سیاق آیه، «سَرِيًّا» به معنای آن است که خداوند زمین زیر پای مریم (س) را صاف و

مسطح کرد و اندکی آن را بالاتر از سطح زمین همانند تختی قرار داد تا مریم (س) بتواند زایمان را

در فضایی مناسب انجام دهد و پس از آن بر روی آن استراحت کند (لسانی فشارکی، متن صوتی

«قَصَةُ عِيسَى (ع)» و به این ترتیب، نگرانی و رنج مریم (س) کاسته شود. کاربرد ریشه «سری» در واژگان زیر مؤید این معناست: «وَسْرَاةٌ كُلُّ شَيْءٍ: أَعْلَاهُ» (راغب، ۴۰۹)؛ «السَّارِيَةُ: أُسْطُوَانَةٌ مِنْ حِجَارَةٍ أَوْ أُجْرٍ» (فراهیدی، ۱۴۰۹، ۲۹۲/۷). مصطفوی «سَرِيٌّ» را به معنای جاری شدن نهر آب بسیار بعید می‌داند که با سیاق آیه نیز ناسازگار است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ۱۱۷/۵).

آیه «وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ آيَةً وَآوَيْنَاهُمَا إِلَى رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَمَعِينٍ» (مؤمنون، ۵۰) را نیز می‌توان مؤید آن دانست که «سَرِيًّا» به معنای تخت و فراهم آوردن مکانی مناسب برای زایمان و استراحت است؛ عیسی (ع) و مریم را در جایگاهی مناسب برای استقرار و سکونت قرار دادیم. «رَبْوَةٌ» به زمین بلند و صافی گویند که معمولاً باصفا، خوش آب و هوا، دارای گل و گیاه و حاصل خیز است. «ذَاتِ قَرَارٍ» یعنی جایگاهی که به سبب داشتن آرامش و استقرار، اضطراب و تنش در آن نیست. «مَعِينٍ» از یک جهت همان «عَيْنٍ» به معنای چشمه است؛ چشمه‌ای جوشان که آب خالص و زلال از آن می‌جوشد و هم برای نوشیدن و هم برای استفاده‌های دیگر تعبیه شده است (طبری، ۱۴۱۲، ۲۰/۱۸-۲۲).

۲-۴. تکلم حضرت عیسی (ع) از بدو تولد

استواسر هنگامه تولد عیسی (ع) را با استشهاد به آیات قرآن این‌گونه به تصویر کشیده است: «مریم آبستن شد و به مکان دورافتاده‌ای پناه برد و در آنجا درد زایمان او را به سوی تنه درخت خرمایی کشاند. وی در ناامیدی فریاد زد که ای کاش پیش از این مرده بودم و یک سر فراموش شده بودم، اما از زیر پایش صدایی شنید که وی را ندا داد که غم مدار؛ و از چشمه آبی که پروردگار زیر پایت پدید آورده، بنوش، از خرماهای رسیده آن درخت میل کن، شادمان باش و از حرف زدن با بقیه خودداری کن. سپس زمانی که کودک را نزد قومش آورد، آن‌ها مریم (س) را به بی‌عفتی متهم کردند، اما عیسی (ع) در گهواره، خود را به آن‌ها چنین معرفی کرد که من پیامبر خدا هستم که مرا به نماز، زکات و نیکوکاری در حق مادرم سفارش کرده است» (مریم: ۲۲-۳۲). مفسران درباره فاعل «فَنَادَاهَا» در آیه «فَنَادَاهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا» (مریم، ۲۴) دو نظر را مطرح کرده‌اند: عیسی (ع) (صنعانی، ۱۴۱۱، ۸/۲)؛ یحیی بن سلام، ۱۴۲۵،

۲۲۱/۱) و جبرئیل (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ۶۲۴/۲؛ قمی، ۱۳۶۳، ۴۹/۲). خانم استواسر هیچ اشاره‌ای به فاعل آن نکرده است. با توجه به سیاق آیه، دیدگاه نخست درست است، زیرا بنا به قاعدهٔ ارجاع ضمیر به نزدیک‌ترین مرجع، کسی که با مریم (س) سخن گفت و او را دلداری داد و به او گفت خداوند زمین زیر پای تو را مانند تختی صاف قرار داده است، شاخهٔ درخت خرما را به سمت خود بکش، نوزاد مریم، عیسی (ع) بود (طبری، ۱۴۱۲، ۵۲/۱۶).

«فَحَمَلَتْهُ، فَانَبَذَتْ بِهٖ مَكَانًا قَصِيًّا. فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَىٰ جِذْعِ النَّخْلَةِ، قَالَتْ: يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا مَنْسِيًّا. فَنَادَاهَا مِن تَحْتِهَا: أَلَا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا. وَهَرِي إِلَيْكَ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رَطْبًا حَنِيًّا. فَكَلِمَىٰ وَأُشْرِبِي وَقَرِّي عَيْنًا...» (مریم، ۲۲-۲۶).

نتیجه

با مقایسهٔ متن دو مقالهٔ «عیسی» و «مریم» در دائرةالمعارف قرآن لیدن با بیان قرآن، این نتایج به دست آمد: مریم مقدّس در معبد، با عبادت خالصانهٔ خدا، به درجه‌ای از معرفت و شناخت دست یافت که توانست درس بندگی و چگونگی دعا کردن را به دیگران بیاموزد. حضور جبرئیل در خلوتگاه مریم (س)، و بلافاصله باردار شدن مریم (س) و آشکار شدن نشانه‌های زایمان و رفتن مریم (س) به مکانی دورتر برای زایمان، همه در کمتر از یک روز اتفاق افتاد. عیسی (ع) در مکانی صاف و مرتفع و دارای نعمت، که آرامش و آسایش داشت، به دنیا آمد و بلافاصله پس از تولّد، با مادرش مریم (س) که تنها بود، سخن گفت. مریم (س) هم پای حضرت عیسی (ع) در انجام رسالت آن حضرت بود. در انجیل یوحنا، به نقل از تورات، به جاودانگی عیسی (ع) اشارت رفته؛ ولی در بیان قرآن، این پنداره نادرست است: «وَمَا جَعَلْنَا لَيْسَرَ مِنَ قَبْلِكَ الْخُلْدَ... كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ» (انبیاء: ۳۴-۳۵)؛ زیرا بر اساس آیهٔ پیش‌گفته و شش آیهٔ دیگر (نساء: ۱۵۷؛ آل عمران: ۵۵؛ مریم: ۱۵، ۳۳؛ مائده: ۱۱۶-۱۱۷) و قرائن موجود در اناجیل، حضرت عیسی (ع)، مانند همهٔ انسان‌های پیش از خود، با رسیدن اجلس از دنیا رحلت و نفس او به عالم آخرت عروج کرده است.

فهرست منابع

- قرآن کریم: ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۴ش.
۱. ابن حمّاد مروزی، نعیم، الفتن، محقق: سمیر امین الزهیری، قاهره: مكتبة التوحيد، ۱۴۱۲ق.
 ۲. ابن حنبل، احمد، مسند، محقق: شعيب الأرنؤوط و دیگران، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۱ق.
 ۳. ابن طاووس، احمد بن موسی، بناء المقالة الفاطمية فى نقض الرسالة العثمانية، محقق: على عدنانی غریفی، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، ۱۴۱۱ق.
 ۴. ابن عاشور، محمد طاهر، التحرير والتنوير (تحرير المعنى السديد وتنوير العقل الجديد من تفسير الكتاب المجيد)، تونس: الدار التونسية للنشر، ۱۹۸۴م.
 ۵. ابن فارس، احمد، معجم مقاييس اللغة، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷ش.
 ۶. ابن هشام، عبدالملك، السيرة النبوية، تحقيق: عمر عبد السلام تدمرى، بیروت: دار الكتاب العربی، ۱۴۱۶ق.
 ۷. انجيل يوحنا، مندرج در كتاب مقدّس (عهد عتيق و عهد جديد)، لندن: [بى نا]، ۱۹۵۴م.
 ۸. ثعلبى، احمد بن محمد، الكشف و البيان، محقق: ابن عاشور، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
 ۹. حسين آبادى، شهزاد و على قانعى اردكانى، «نقد مقاله مریم از دايرة المعارف لیدن»، مطالعات تفسیری آلاء الرحمن، شماره ۶، ۱۴۰۲ش.
 ۱۰. حلى، حسن بن سليمان، مختصر البصائر، تحقيق: مشتاق مظفر، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۲۱ق.
 ۱۱. دلائل الإمامة، منسوب به ابن رستم طبرى، محقق: مؤسسه البعثة، قسم الدراسات الإسلامیة، قم: بعثت، ۱۴۱۳ق.
 ۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فى غریب القرآن، تحقيق: محمد سيد كيلانى، بیروت: دار المعرفة، [بى تا].
 ۱۳. رجبى قدسى، محسن و رضوان رخشانى، «شمار پیامبران در قرآن و تحليل انتقادى آن در منابع اسلامى»، علوم قرآن و حديث، ش ۱۱۰، ۱۴۰۲ش.

۱۴. رشید رضا، محمد، مجله المنار، ۱۶ شعبان ۱۳۱۸ق/۷ دسامبر ۱۹۰۰م.
۱۵. شریف رضی، نهج البلاغه (گزیده‌ای از سخنان و نامه‌های امام علی بن ابی طالب)، تحقیق: صبحی صالح، قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
۱۶. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، اعتقادات الإمامیه، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۴ق.
۱۷. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، کمال‌الدین و تمام النعمة، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: اسلامیه، ۱۳۹۵ق.
۱۸. صنعانی، عبدالرزاق، تفسیر القرآن العزیز، بیروت: دار المعرفة، ۱۴۱۱ق.
۱۹. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه‌الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان لعلوم القرآن، مصحح: هاشم رسولی، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۲۱. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، بیروت: دار المعرفة، ۱۴۱۲ق.
۲۲. فراء، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، محققان: محمد علی نجار و احمد یوسف نجاتی، قاهره: هیئة المصریة العامة للکتاب، ۱۹۸۰م.
۲۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم: نشر هجرت، ۱۴۰۹ق.
۲۴. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر، محقق: طیب موسوی جزایری، قم: دارالکتاب الإسلامیة، ۱۳۶۳ق.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۹۱ق.
۲۶. لسانی فشارکی، محمد علی، فایل صوتی کارگاه آموزشی قصص قرآن، «قصه عیسی مسیح»، کانون زبان قرآن، <https://quranlsn.ir/multimedia>
۲۷. لسانی فشارکی، محمد علی، فایل صوتی کارگاه آموزشی قصص قرآن، «قصه مریم مقدّس»، کانون زبان قرآن، <https://quranlsn.ir/multimedia>
۲۸. لسانی فشارکی، محمد علی، فایل صوتی کارگاه آموزشی قصص قرآن، «قصه زکریّا و یحیی»، کانون زبان قرآن، <https://quranlsn.ir/multimedia>
۲۹. ماوردی، علی بن محمد، النکت و العیون (تفسیر ماوردی)، تعلیق: عبدالرحیم سید بن عبدالمقصود، بیروت: دارالکتب العلمیة، [بی تا].

٣٠. مسلم بن حجاج، صحيح، محقق: محمد فؤاد عبدالباقي، قاهره: مطبعة عيسى البابي الحلبي وشركاه، ١٣٧٤ق.

٣١. مصطفىوي، حسن، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، ١٣٦٨ش.

٣٢. مقاتل بن سليمان، تفسير، محقق: عبدالله محمود شحاته، بيروت: دار إحياء التراث العربي، ١٤٢٣ق.

٣٣. مقدسي سلمى، يوسف بن يحيى، عقد الدرر في أخبار المنتظر و هو المهدي عليه السلام، تحقيق: مهيب بن صالح بن عبدالرحمن البوريني، الزرقاء - اردن: مكتبة المنار، ١٤١٠ق.

٣٤. همتي، محمد علي و محمد كاظم شاکر، «نقد قرائت سرياني-آرامي لوكزنبرگ از آيه ٢٤ سورة مريم»، تحقيقات علوم قرآن و حديث، ش ٣٣، ١٣٩٦ش.

٣٥. يحيى بن سلام، تفسير، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤٢٥ق.

36. Robinson, Neal, "Jesus", Encyclopaedia of the Quran, Vol. 3, pp. 720-.

37. Stowasser, Barbara Freyer, "Mary", Encyclopaedia of the Quran, Vol. 3, pp. 288296-.